



## به روایت سردار

یادداشتی بر کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم»

### مسیر قهرمانی



محمد رضا  
خراسانی‌زاده

نویسنده

از زندگی مردان و زنان بزرگ و قهرمان و اسطوره، همواره نقاط اوج و زمانی که آن انسان به موفقیت رسیده بارز است و بیشتر گفته می‌شود. اما آیا آن فرد از ابتدا در این سطح و موقعیت قرار داشته‌است؟

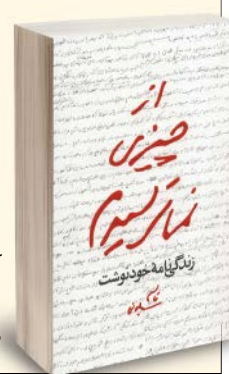
بی‌شک او سیری را طی کرده تا به این نقطه رسیده‌است که افراد زیادی چه دوست چه دشمن او را بزرگ می‌شمارند. همچنین در بسیاری از مقایسه‌ها، افراد، خودشان را بسیار دور از فرد قهرمان می‌دانند و جایگاه او را دست نیافتنی می‌بینند. اما اگر سیر زندگی او بیان شود، همگان می‌بینند او نیز مانند بسیاری دیگر از افراد در همین محیط‌های معمولی، کنار بقیه مردم زندگی کرده سپس با همت و تلاش و تصمیم درست و به موقع به سوی موفقیت حرکت کرده‌است. حال این قهرمان، دست‌یافتنی‌تر و قابل‌الگو برداری می‌شود.

حاج قاسم یکی از این قهرمانان است که بسیاری خودشان را کاملاً دور از منش و جایگاه او می‌دانند و گمان می‌کنند هیچ وقت نمی‌شود کسی مانند او باشد. در بالا بودن شخصیت و توان و تلاش شهید سلیمانی هیچ شکی نیست اما اگر زندگی او کامل بررسی شود، می‌توان از ایشان الگو گرفت و افراد زیادی مانند او تربیت شوند که این روزها بسیار به چنین انسان‌هایی نیاز است. این سیر زندگی اگر از زبان خود آن قهرمان بیان شود که دیگر نور علی نور است. هرکس بیشتر از بقیه به افکار و احساسات و تصمیماتش آگاه است و نقاط عطف زندگی‌اش را می‌شناسد. الحمدلله از حاج قاسم نیز دست‌نوشته‌هایی در بیان دوران کودکی و جوانی و جوانی‌اش به جامانده که در قالب کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم» به چاپ رسیده‌است.

حاج قاسم در این نوشته‌ها ابتدا از خانواده، طایفه، محل زندگی و دوران بسیار سخت کودکی‌اش می‌گوید. او که در روستای قنات ملک کرمان به دنیا آمده‌است، در خانواده‌ای فقیر و با کمترین امکانات رشد کرد. پدر و مادرش انسان‌هایی مومن و معتقد به حلال بودن و همین‌مسئله در تربیت او اثر مهمی داشته‌است. مشکلات مالی و قرض پدر باعث شد قاسم ۱۳ ساله برای اولین بار راهی کرمان شود و آن‌جا با جثه ضعیف اما همتی قوی، مشغول کار شود. کار زیاد و در کنارش تحصیل و همچنین ورزش مداوم، عناصری است که در این کتاب به عنوان مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در این دوره ذکر می‌شود. این نوشته‌ها تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرده و حاج قاسم از آشنایی‌اش با انحرافات

و ظلم‌های شاه و همچنین امام خمینی (ره) و مبارزاتش می‌گوید که چطور مسیر زندگی او را عوض کرد و وارد کارهای مبارزاتی شد.

از چیزی نمی‌ترسیدم کتابی بسیار عالی برای کسانی است که فکر می‌کنند برای به جایی رسیدن باید امکانات زیادی داشت.



### داغ دلربا

میثم امیری

انتشارات خط مقدم



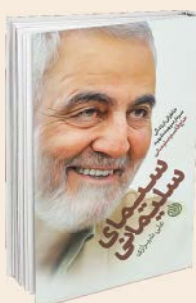
این کتاب به تشییع پیکر شهید سردار قاسم سلیمانی در دی ماه ۹۸ در شهرهای مختلف کشور می‌پردازد و مخاطب را با خود در این سفرها همراه می‌کند. میثم امیری با قلمی روان در این کتاب سعی کرده‌است همه مخاطبان را با خود تا پایان کتاب نگه دارد و انگار که مخاطب در آن لحظات حضور دارد. در بخشی از این کتاب آمده‌است: «بامداد جمعه، سیزده دی ۱۳۹۸، سردار را زدند. صبحش، مردم کرمان ریختند بیرون. دو دست روی پیشانی گذاشتند و روی جدول کنار خیابان نشستند و گریستند. صدای عبدالباسط، با سوز بامدادی کویر آمیخته می‌شد. خانه‌ها، درد و تحیر

کرمانی‌ها را تاب نداشت. آسمان شهر، سکوت کویر را نمی‌خواست؛ سرمایش را می‌خواست. این، وقتی بود که قوم ایرانی در کالبد کرمانی، «چیزی» حس کرد. سردار، پنج روز از اهواز تا کرمان، روی دست ایرانیان بود؛ دست‌های گرم و پینه بسته؛ دست‌های ظریف و ورزیده؛ دست‌های پرچروک و کودکانه. این دست‌ها - دست‌های همه ملت ایران - حلقه و پروانه شد.»

### سیمای سلیمانی

حجت الاسلام علی شیرازی

انتشارات خط مقدم

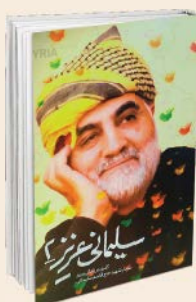


حجت الاسلام علی شیرازی در «سیمای سلیمانی»، بنا دارد مخاطب را با ویژگی‌های شهید بزرگ جبهه مقاومت، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از زبان دیگران آشنا کند. خاطرات گردآوری شده در این کتاب شامل ناگفته‌هایی از سران کشور، مسئولان سیاسی، فرماندهان و نزدیکان سردار دل‌هاست. سیمای سلیمانی، نوشته و تدوین حجت الاسلام علی شیرازی از سوی انتشارات خط مقدم در هفت فصل منتشر شده‌است.

### سلیمانی عزیز ۲

مهدی قربانی

انتشارات حماسه یاران



پس از استقبال بی‌نظیر خوانندگان از کتاب «سلیمانی عزیز» انتشارات حماسه یاران تصمیم گرفت بار دیگر سراغ خاطرات مرد تمام‌نشدنی جبهه مقاومت برود. بی‌شک هنوز سال‌ها زمان لازم است تا بتوان به درستی و شایستگی سردار دل‌ها را شناخت و شناساند و نباید به کم اکتفا کرد. اما هر چه یاد این شهید عزیز را برجسته کند، چشم‌نواز و دلنواز است. به گفته دست‌اندرکاران این کتاب، این مجلد تحفه‌ای ناچیز است به قدر توان مان تا علاقه‌مندان به سیره و مکتب حاج قاسم را از سرچشمه

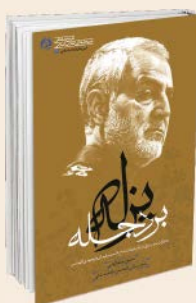
زالل خاطرات او سیراب کند. دور از ذهن نیست که برخی روایت‌های این اثر پیشتر شنیده و خوانده شده باشند.

اما هدف اصلی ثبت خاطراتی است که هر کدام به مثابه گنجی گران قیمت‌اند. تا هم از گزند فراموشی در امان بمانند، هم به واسطه ارائه در قالب یک مجموعه خاطره، خواننده را در شناخت بیشتر شخصیت ممتاز شهید سلیمانی یاری دهند.

### یزله برد جله

نرگس لقمانیان / فاطمه ملکی

انتشارات راه یار

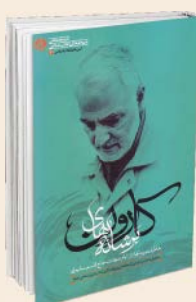


او محبوبیتی بی‌نظیر داشت؛ محبوبیتی که مرز نمی‌شناسد و در قلب مردم کشورهای مختلف رخنه کرده‌است؛ در قلب همه آنهایی که فهم درستی از انسانیت دارند. حاج قاسم نقطه ثقلی بود برای نجات محور مقاومت نه فقط برای ایران؛ بلکه برای سوریه، لبنان، یمن، عراق، فلسطین، افغانستان و گوشه گوشه دنیا. «یزله برد جله» خاطرات مردم عراق است از این واقعه ماندگار. روایتی از تشییع باشکوه فرماندهان جبهه مقاومت و یاران شهیدشان در شهرهای عراق؛ مشایعتی که بیش از هر واقعه تاریخی برای مردم عراق زنده‌کننده حس و حال مشابه اربعین بود. این روایت‌ها حاصل ۲۵ ساعت مصاحبه تلفنی است که همزمان، ترجمه و تدوین شده‌است. یزله برد جله، فضای اجتماعی عراق را در مراسم تشییع و در جو ملت‌هت مخالفان ترسیم می‌کند. این کتاب سعی دارد علاوه بر بیان خاطرات تشییع‌کنندگان، اتفاقات شام شهادت را هم که کمتر کسی از آنها آگاهی دارد، برای مخاطب روایت کند.

### بر شانه‌های کارون

جمعی از نویسندگان

انتشارات راه یار



جنوب را بیش از هوای تنوری و شرجی‌اش، به آدم‌های گرم و رفیقش می‌شناسند. همین است که در واژگان آبادانی‌ها غربت، کلمه غریبی است. قاسم هم که قربانش بی‌روم، ته رفیق بازها بود. رفاقت را از بر بود که بعد از شهادت هم، خاک‌شدن کنار هم‌رزمش حسین یوسف‌اللهی، آرامش می‌کرد. معرفت جنوبی‌اش بود که سیل، پایش را دوباره به خوزستان باز کرد. برگشت، با همان نگاه صمیمی و وطنین صدای پرمهر سال ۶۰. پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی، پیکر ایشان به ایران منتقل شد و در شهرهای اهواز، مشهد، قم، تهران و کرمان تشییع شد. مردم بسیاری در این مراسم شرکت کردند. کتاب «بر شانه‌های کارون» خاطرات مردم اهواز را از ایام شهادت و خاکسپاری حاج قاسم سلیمانی روایت می‌کند.

در سومین سالگرد زده‌ایم به ۱۰ کتاب سپهبد شهید حاج

سلام به

صایره سلمانیان  
خبرنگار

چاره‌ای که داشتیم، انتخاب از خواننده بودیم و به کیفیت و خ داشتیم. بی‌شک کتاب‌های ز دارد که هنوز توفیق خواندن پیشنهادها، فقط عرض سرداری که با شهادتش و شعیان راد